



فتح مفتاح الغیب

تألیف محمد بن قصاب الدین ازینقی

متوفی ۸۸۵ هـ و

تصحیح

اکبر راشدی نیا



www.ketab.ir

سرشناسه	: ازینقی، محمد بن قطب‌الدین، - ۸۸۵ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: فتح مفتاح الغیب / محمد بن قطب‌الدین ازینقی؛ مصحح اکبر، مدنی‌نیا.
مشخصات نشر	: تهران: نشر سخن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۲۲ ص.: جدول، نمونه.
فروست	: مجموعه تحقیقات عرفانی؛ ۹
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۷۹۵-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	: راشدی‌نیا، اکبر، ۱۳۴۸ -، مصحح
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ف ۴۱۴ الف ۳/۲۸۳ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۹۴۱۷۳



قطب علمی تحقیق
در متون حکمی و عرفانی

انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید خری، شماره ۴۸

کد پستی: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.com

E.mail: info@sokhanpub.com

مجموعه تحقیقات عرفانی

۹

فتح مفتاح الغیب

تألیف: محمد بن قطب الدین ازنیقی

تصحیح: اکبر راشدی نیا

چاپ اول: ۱۳۹۵

لینوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۷۹۵-۶

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۵ و ۶۶۹۵۳۸۰۴

سر آغاز

ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

حکمت و عرفان اسلامی میراث گرانبهای فرهنگ اسلامی است که از زمان پیدایش تا کنون تاریخی پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته و امروز سرمایه‌های ارزشمند خویش را با سخاوت به ما سپرده است. زمانی می‌توانیم از این گنجینه بزرگ علمی و فکری بهره کافی ببریم که ذخایر آن را به‌خوبی بشناسیم و با شیوه‌های علمی در آن متون تحقیق کنیم. امروز دامنه پژوهش‌های عرفانی سخت گسترش یافته و شمار زیادی از اهل فضل در زمینه‌های مختلف از جمله تاریخ، مبانی، آثار، شخصیت‌ها، تصحیح متن و زبان عرفانی به تحقیق مشغولند و یافته‌های خویش را در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه ارائه می‌کنند. به دلایل زیر ضروری است هم‌کام با این پژوهش‌ها افزایش یابد، هم از جهت کیفی این فعالیت‌ها سامان پذیرد.

۱. ابعاد عرفان اسلامی متنوع و متعدد است و پژوهش‌های عرفانی از جهت کمی نتوانسته همه مسائل و مباحث عرفان اسلامی را در بر گیرد.
۲. بخش زیادی از پژوهش‌های عرفانی هدفمند نیست و حول محور توانایی و علاقه پژوهشگران به صورت پراکنده شکل می‌گیرد.

۳. بخشی از پژوهش‌های عرفانی روشمند نیست و به نتایج تازه‌ای نمی‌انجامد.
۴. به سبب امکان انجام تحقیقات میان‌رشته‌ای در این دامنه تحقیقی نیازهای جدیدی احساس می‌شود. بنابراین، برای رفع این نیازها و در نظر گرفتن مقتضیات جدید باید اهداف تازه‌ای را تعریف کرد و برای تحقق آنها کوشید.

اگر تحقیقات عرفانی آسیب‌شناسی شود و مقتضیات جدید نیز در مانور توجه قرار گیرد، این حقیقت به‌خوبی معلوم می‌شود که مانند بسیاری از عرصه‌های علمی و تحقیقی، تحقیقات انفرادی و کوشش‌های شخصی هرچند در جایگاه خود باارزش و سودمند است، برای تحقق اهداف بزرگ کافی نیست. برای رفع این کاستی ضرورت دارد مراکز تحقیقی با برنامه‌های مشخص و دارای اهداف روشن شکل گیرد و با سامان بخشیدن به فعالیت‌های علمی در این حوزه آنها را هدفمند سازد و تحقیقات گروهی را رونق بخشد.

قطب‌های علمی از جمله مراکز تحقیقی به شمار می‌روند که برای انجام تحقیقات

گروهی و هدفمند شکل گرفته‌اند. قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را برای انجام تحقیقات عرفانی بر اساس برنامه‌ای مصوب آغاز کرد. در این برنامه برای تصحیح متون عرفانی و تحقیق در آنها اهداف مشخصی تعریف شده و برای تحقق این اهداف فعالیت‌های قطب شکل گرفته است. بر این اساس همکاران محقق در دانشگاه‌های کشور طرح‌های زیادی را پیشنهاد کرده‌اند که تا کنون بیش از پنجاه طرح به تصویب رسیده و شماری از آنها پایان یافته و شمار دیگری در حال اجرا است.

قطب علمی در جهت گسترش فعالیت‌های علمی سامان یافته، با بسیاری از مراکز علمی و تحقیقی داخل و رابطه علمی برقرار و در انجام طرح‌های پژوهشی و نشر یافته‌ها تحقیق همکاری خود را با آنها آغاز کرده است.

انتشارات سخن با اهدافی تفاهم‌نامه‌ای با قطب علمی توافق کرده‌اند که بخشی از تحقیقات عرفانی قطب را در مجموعه‌ای با عنوان **مجموعه تحقیقات عرفانی** منتشر سازند. تا کنون در این مجموعه آثار زیر انتشار یافته است:

۱. بیان التنزیل، تألیف عزیز نسفی؛ ۲. کشف الحقایق، تألیف عزیز نسفی؛ ۳. الرسالة القشیریه، تألیف ابوالقاسم بدالکریه بن هوازن قشیری؛ ۴. شرح فصوص الحکم، تألیف عفیف‌الدین تلمسانی؛ ۵. تفسیر عرفانی منسوب به امام صادق (ع)؛ ۶. منطق الاسرار، تألیف روزبهان بقلی؛ ۷. نامه سیه، تألیف جلال‌الدین محمد بلخی؛ ۸. تصحیح و ترجمه کشف الاسرار روزبهان بقلی.
- نهمین کتاب از این مجموعه **فتح مفتاح الغیب**، تألیف محمد بن قطب‌الدین الازنیقی است که همراه با مقدمه، تعلیقات و فهرس نشر می‌یابد.
- از حضرت باری تعالی و تقدس، توفیق می‌طلبیم که این مجرعه هر روز پر بارتر شود و در معرفی میراث عرفان اسلامی مؤثر افتد.

فهرست مطالب

٧	فهرست مطالب
١١	مقدمة مصحح
١٦	محمد بن قطب الدين ازنيقى
٢٠	كتاب فتح مفتاح الغيب
٢٥	معرفى نسخه ها و شيوة تصحيح
٣٩	خطبة الكتاب
٤١	شرح الخطبة
٦٩	التمهيد الجملى
١٠١	فصل شريف يشتمل على علم عزيز خفى لطيف
١٠٢	البيان الأول وهو الإشارة إلى تصوّر وجود الحقّ وهليته
١٠٦	البيان الثانى وهو الإشارة إلى كيفية هليته من الوحدة الكاملة
١٠٩	البيان الثالث الذى فى إدراك الموضوع بأى وجه يمكن
١١٢	البيان الرابع الذى فى كيفية نسبة الوجود إلى حقيقة كلّ موجود
	البيان الخامس الذى فى تعيين ما الفائض الأول الذى يصحّ أن يكون واسطة بين الواحد الحقّ
١١٥	وبين الكثرة

- البيان السادس الذى فى كشف أن ذلك الفائض نسبته إلى جميع المخلوقات على السواء ١١٨
- البيان السابع الذى يكشف عن جهة مناسبة الفائض للحق بوحدته ١٢٠
- البيان الثامن الذى يكشف أن أى مرتبة ينبع منه الكثرات ١٢١
- البيان التاسع والعاشر الذى فى كشف كيفية تمييز اعتبار مبدئية الحق عن اعتبار وحدته وغناه مع ثبوته فى الحالين ١٢٥
- وصل ١٥٥
- فصل فى تصحيح النسبة بين الحق باعتبار أقسام الأسماء وبين تكوين أعيان المكونات ١٥٩
- سائمة اشميد الكلّى ١٨٢
- باب كذا السرّ الكلّى وإيضاح الأمر الأصلى ١٨٩
- المقصود الأول فى رتبة المرتبة الجامعة لجميع التعتينات وأصول ترتب تأثيرها إلى آخر الموجودات ١٩٠
- فالمبحث الأول من المقصد الأول: فى أول المراتب المنعوتة ١٩٠
- والمبحث الثانى من المقصد الأول فى سبب الارتباط بين الحقيقة وصورها ١٩٤
- المبحث الثالث من المقصد الأول فى نسبة ما بين الحقيقة الجامعة الأصلية والحقائق المندرجة الفرعية ١٩٦
- المبحث الرابع فيما يتوقف عليه ظهور الحسم الجمعى الذى هو الوجود العينى ١٩٩
- المبحث الخامس فى كشف الأسرار البهية المتعنتة من الأسماء الذاتية بحسب جمعيّات المراتب والحقائق الكونية والحضرات الكلّية أو الحسية ٢٠٤
- المبحث السادس: فى كشف سرّ الظلم الإلهى الذى هو أصل ما تعين به الظهور العينى ٢٠٦
- المبحث السابع فى كشف سرّ المطلوب الإجمالى وهو أصل الوجودية المسماة بالوجود العام باعتبار عمومها ٢٠٩
- المبحث الثامن فى مراتب التكاح ٢٢٠
- المبحث التاسع فى أن النفس الرحمانى بأى اعتبار يسمى عماء وفى خراس العلماء ٢٢٧
- المبحث العاشر فى بيان أول كون تعين من العماء بوجه المراتبة من الطرفين ٢٣١
- الفصل الأول: فى كيفية تعينهما ٢٣٤
- الفصل الثانى: فى ارتباطهما ٢٣٧
- الفصل الثالث: فى ذكر وجوههما ٢٣٧
- الفصل الرابع: فى بيان أركان اللوح ٢٣٩
- الفصل الخامس فى ذكر ما يشتمل اللوح عليه من الأرواح ٢٤٠

٢٤٣	المبحث الحادى عشر فى التنبيه على مرجع ظهورات الوجودات المتنوعة عن
٢٤٩	المبحث الثانى عشر فى ترتيب ظهور الموجودات بعد انبعاث القلم واللوح
٢٥٦	المبحث الثالث عشر فى تعيين معقوليّة مرتبة الجسم الكلّ وصورة العرش
٢٦٤	المبحث الرابع عشر فى تعيين صورة الكرسي بعد صورة العرش
٢٧٩	المبحث الخامس عشر فى ظهور صورة العناصر ثمّ السموات السبع
٢٩٠	المبحث السادس عشر فى ظهور المولدات والاستحالات
٣٠٧	المقصد الثانى من باب كشف السرّ الكلى
٣٢٩	المقصد الثالث ، مقاصد الباب وهو تنمّة شريفة لبيان بقية أنواع المظاهر ولها مقدمات ومقصود
٣٣٦	المقصد الرابع من مقاصد الباب خاتمة التنمّة السابقة وهى نكتة شريفة فى أمر الدور
٣٥٧	المقصد الخامس
٣٦٤	المقصد السادس
٣٧٢	المقصد السابع فى سرّ التوبة الى الله تعالى الدعاء
٣٨٤	المقصد الثامن ضابط شريف يعنى الى الله تعالى أسرار وفوائد وأصول
٣٨٩	المقصد التاسع
٣٩٣	المقصد العاشر
٣٩٨	المقصد الحادى عشر
٤٠٠	المقصد الثانى عشر
٤٢١	تنمّة كليّة وخاتمة جامعة
٤٣٠	السؤال الأول
٤٣٣	السؤال الثانى
٤٣٤	السؤال الثالث
٤٣٥	السؤال الرابع
٤٥٧	السؤال الخامس
٤٥٨	السؤال السادس
٤٥٩	السؤال السابع
٤٦٠	السؤال الثامن
٤٦١	السؤال التاسع
٤٦٢	السؤال العاشر

٤٦٤	السؤال الحادى عشر
٤٦٤	السؤال الثانى عشر
٤٦٧	السؤال الثالث عشر
٤٧٠	السؤال الرابع عشر فى معرفة تقابل النسختين
٤٨٠	السؤال الخامس عشر
٤٨٣	المعرفة الثانية بتقابل النسختين أى الإلهية والكونية
٤٨٩	السؤال السادس عشر
٤٩٥	السؤال السابع عشر
٥١٨	خاتمة
٥٢٩	تعليقات ، توضحات
٥٢٩	تعليقات ختمة
٥٣٣	تعليقات التمهيد الى
٥٣٦	تعليقات فصل شريف يعمل على علم عزيز خفى لطيف
٥٤٣	تعليقات فصل فى تصحيح النسبة بين "حق" اعتبار
٥٤٨	تعليقات باب كشف السر الكلى وإيضاح الأمر الأسمى
٥٦٣	تعليقات تنمة كلية وخاتمة جامعة
٥٦٩	نمايهها
٥٧١	١. آيات
٥٧٩	٢. احاديث
٥٨٣	٣. اشعار
٥٨٥	٤. اصطلاحات
٥٩٧	٥. اشخاص
٦٠١	٦. كتابها
٦٠٣	٧. تعليقات
٦١٣	منايع و مأخذ

مقدمه مصحح

یکی از مباحثی که همیشه در کنار مباحث سلوکی و طریقتی مورد توجه عارفان اسلامی قرار داشت بحث از توحید و دیگر مباحث^۱ رفته است. سخنانی متعددی از حلاج و بایزید بسطامی و ابوسعید ابوالخیر و دیگر عارفان اسلامی تلخیص شده است که همه نشانگر این است که توحید و معرفت حق تعالی یکی از دغدغه‌های اصلی عارفان اسلامی است.^۲ با این حال بحث از توحید و مباحث معرفتی با ظهور ابن عربی وارد مرحله‌ای نوین شد. و اگرچه در بیشتر بحث‌های وجودی و هستی شناسانه میراث دار عارفان قبل از خود به خصوص عارفان مازنی اسلامی بود اما با آثاری که از خود به جای گذاشت و شاگردانی که تربیت کرد نقشی منحصر به فرد در عالم عرفان اراکه کرد منظور از عرفان مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی است که در صدد تبیین نظام هستی و پیدایش آن می‌باشد و این علم امروزه بیش تر با عنوان «عرفان نظری»^۳ شناخته می‌شود.

ابن عربی برخلاف بیشتر عارفان و صوفیان مسلمان که دغدغه اصلی آن‌ها تبیین مسائل طریقتی و سلوکی بود، اهتمام خود را صرف ترسیم نظام جهان بینی عرفانی کرد، تحلیلی که او از حق و اسما و صفات الهی و دیگر مراتب و مظاهر وجود اراکه کرده در نوع خود بی نظیر است. معارف ابن عربی به مباحث وجودی اختصاص نداشت و گستره آن به فراخور هریک از مباحث

۱. در مورد دغدغه‌های توحیدی عارفان مسلمان به عنوان نمونه رکت: مقدمه مجالس عارفان / ۳۱-۳۳.

۲. در مورد اینکه عرفان نظری نامی مناسب برای این علم نیست رکت: عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی، پژوهش‌های ادب عرفانی / ۶۵-۸۸ و مقدمه شرح فصوص الحکم عقیف الدین تلمسانی / ۱۵-۱۶.

دینی و معرفتی است چنانکه متناسب با احکام شریعتی، احکامی برای باطن تدوین کرده و بیشتر آیات قرآن را با مبانی خود تفسیر و تأویل می‌کند، او در مورد انبیا و سر نهفته در آن‌ها مطالبی را ذکر کرده که در طول سالیان متمادی محور مباحث عرفانی قرار گرفته است.

ابن عربی با اینکه در تبیین معارف از اصطلاحات و تعبیر اهل نظر با توسعه و تغییر در معنای آن‌ها استفاده کرده است ولی برخلاف فیلسوفان و متکلمان و مفسران و فقیهان، که ادعای خود را مستند به ادله عقلی و نقلی می‌کردند، گفته‌های خود را مستند به کشف و شهود دانسته و از جایگاه عارفی متصل به غیب سخن می‌گوید و همین مسئله باعث شده بود که پذیرش مطالب او برای اهل نظر دشوار باشد.

مطلبی که ابن عربی در آثار خود تبیین کرده است به خاطر گستردگی و پراکندگی آن‌ها به سختی قابل دسته‌بندی است. به گاه چنین می‌نماید که مجموع این مطالب از هیچ نظم و انسجامی برخوردار نیست.

از بین شاگردان ابن عربی بیشتر از همه صدرالدین قونوی تلاش کرد تا نظرات استادش را انسجام داده و با استفاده از اصطلاحات و اسلوب علمی آنها را شرح و تبیین کند. او برای قابل فهم کردن مباحث عرفانی از الفاظ و اصطلاحات مأثور و وافق با اصطلاحات علوم نظری استفاده کرد و با این کار توانست زبانی مشترک با علمای رسم ایجاد کند و بخشی از مطالبی را که به اعتقاد ابن عربی صرفاً برای اهل مکاشفات قابل فهم بود، برای اهل نظر نیز قابل فهم سازد.^۱ به نظر بیشتر عارفان اگر تقریرات قونوی نبود بخش زیادی از سخنان و نظرات ابن عربی قابل فهم نمی‌شد، چنانکه عبدالرحمن جامی می‌گوید: مقصود شیخ در مسئله وحدت وجود بر وجهی که طابق عقل و شرع باشد جز به تتبع تحقیقات وی و فهم آن کما ینبغي میسر نمی‌شود.^۲

۱. وی در این باره می‌نویسد: «فان كتابة هذا الفن لا يكون عن سابق تأمل و لاحق تدبر، بل عن ما وقع فيه ما يوهم الاشتراك مع علماء الرسوم من لفظ و اصطلاح، فذلك ليس عن قصد التقييد بذلك الاصطلاح بل لأمرين آخرين أحدهما أن تلك العبارة المصطلح عليها في ذلك الموضع تكون أنسب و أتم لتأدية للمعنى المراد بيانه من غيرها من العبارات بالنسبة لما في نفس المتكلم؛ و السبب الآخر فيما ذكرنا هو حيلة المقام المتكلم منه و اشتماله على ما يرد على المحجوب - المتوجه بفكره - و على المعنى به - المتوجه بقلبه - لكن يأخذ المتوجه بقلبه كشفاً و شهوداً دون عمل بمحل طاهر لا شوب فيه؛ فتبقى طهارة الوارد على أصلها و يتلقى المحجوب الأمر من خلف حجاب الفكرة و البشرية بتعمل و محل غير طاهر» مفتاح الغیب / ۹.

۲. نفحات الأنس / ۵۵۵.

المستوفى و آثار صدرالدين قونوى همچون إعجاز البيان و شرح الأربعين و الهادية و المفصحة و آثار شاگردان قونوى به خصوص كتاب منتهى المدارك فرغانى و شرح فصوص الحكم جندى استفاده کرده است. دغدغه اصلى فنارى همچون خود قونوى نزديك كردن يافته هاى عرفانى به علوم نظرى بود. وى در مقدمه مصباح الانس مى گويد: در اين كتاب كوشيدم تا قواعد كشفى را با مفاهيمى كه عقل محجوبان از راه فكر مى يابد تا حد امكان سازش دهم، شيوه اى كه قونوى نيز از آن تبعيت کرده است.^۱

از كتاب صباح الأنس دست نوشته هاى متعددى به جاى مانده است كه از آن ها مى توان به موارد ذيل اشاره كرد: اسعد افندى، ۱۵۵۴ (به خط مؤلف)؛ فيض الله افندى، ۱۲۵۷؛ لاله لى، ۱۴۲۳؛ احمد ثالث، ۱۱۰۱؛ عزيم محمود هدايى، ۳۰۱؛ نور عثمانيه، ۲۴۷۵ و ۲۴۷۶؛ راغب پاشا، ۶۹۴ و ۶۹۶ و ۱۹۷؛ راشا افندى، ۴۱۶ و ۴۶۴؛ سليم آقا، ۵۲۳؛ شهيد على پاشا، ۱۲۷۴؛ دانشگاه آنكارا، ۴۴۹۲؛ ولى الدين افندى، ۱۱۷ و ۱۷۲۸؛ ولى الدين جبار الله، ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲؛ حسين چلبى، ۶۶؛ مدرسه سپهسالار، ۷۲-۷۰؛ رسة موى، ۷۱/۷۱؛ مجلس شوراى اسلامى، ۱۰۵۰۹/۱؛ دانشگاه تهران، ۴۱۰۵؛ آستان قدس رضوى، ۱۴۲۶۵؛ كتابخانه ملى، ۴۸۷۶.

(۲) فتح مفتاح الغیب نوشته محمد باق قزلباش الدين از نيقى (م. ۸۵۵) كه به تفصيل در مورد اين كتاب سخن خواهيم گفت.

(۳) مواجد الذوق نوشته شيخ احمد (عبدالله) قزلباشى سيمائى (م. ۸۹۶). شيخ احمد الهى اين كتاب را به امر سلطان محمد فاتح در سال ۸۸۰ هجرى قمرى نوشته است. او اين كتاب را در شهر ادرميد، در محلى كه خود براى ذكر و عبادت بنا كرده و در در آنجا به خلوت نشسته بود، تأليف كرده است. الهى در معرفى اين شرح چنين نوشته است: اما بعد معلوم بود كه اين كتاب نافع جامع

به نظر مى رسد چون بين تاريخ تولد شمس الدين محمد (يعنى سال ۷۵۱) و وفات قونوى (يعنى سال ۶۷۳) ۷۸ سال فاصله است كه اگر پدر فنارى در بيست سالگى نيز صدرالدين را درك كرده باشد هنگام تولد فرزندش مى بايست ۹۸ سال سن مى داشت. احتمال دارد بين جد فنارى و پدر او خلط شده باشد.

۱. واجتهدت فى تأسيس تلك القواعد الكشفية حسب الإمكان بما توافق عقل المحجوبين بالنظر والبرهان، تأسيساً بذلك بما سلكه نفسه فى كثير من المواضع.

۲. براى معرفى دست نوشته هاى شروح مفتاح الغیب بيشتر از مقاله (Şadr Addin Alqunawi ve Eserleri) «صدرالدين قونوى و آثار او» نوشته عثمان آرگين استفاده كرديم.

۳. طاش كبرى زاده نام او را عبدالله نوشته است. الشقائق النعمانية / ۱۵۲.

مواجد الذوق الهی و مطلوب و منظور شاهی با وجود کمال شرحیت و تفسیر و تأویل و تحقیق ترجمه مرتب مطابق موافق است مر مفتاح الغیب بلا عیب را به حیثیتی که یک لفظ از وی غیر مترجم نمانده و نیز دو کلمه از وی به تقدّم و تأخر مترجم نگشته تعظیماً و حفظاً لترتیب المفتاح بالتأدب و الصلاح و اگر اغلاق مایی در بعضی مواضع مواجد بود آن از جهت اتباع ترتیب و ترکیب متن است بعینه و باید که آن مانع، مدّ نظر نگردد ... و باید به تحقیق شناختن که در معرفت حق و حقیقت و رهیدن از درکه غفلت و رسیدن به درجه ولایت بعد از کتاب و سنت أنفع و أجمع و أجمل و أكمل و أنشکل از مفتاح الغیب در کل کائنات کتابی نیست و این مواجد الذوق بعینه نوریست مثل او منیر و بی نظیر.^۱ از این کتاب رساله خطی شناسایی شده است که عبارت‌اند از: کتابخانه یوسف آغای قونیه، ۴۱۴ (به خط مؤلف)؛ رضا پاشا (دانشگاه استانبول)، ۳۰۴.

(۴) **مصباح القلب** نوشته عثمان بن فتح‌الله فضلی رومی (م. ۱۱۰۲). او از مشایخ خلوتیه بود و در استانبول در مسجدی به نام ات‌ازاری تدریس می‌کرد و به همین جهت به مولی‌آت‌پازاری نیز مشهور بود.^۲ او شرح خود را در سال ۱۰۷۷ به اتمام رسانده است.^۳ شرح آت‌پازاری چنین آغاز می‌شود: «الحمد لله الذی تجلی من مرتب العباد وأوجد من عدم وعدمه الأشياء...» و با این عبارات پایان می‌یابد: «وقد اتفق الفراغ من تسوید هذا الشرح شرح مفتاح الغیب المسمی بمصباح القلب بعون الله علی ید... السید عثمان بن السید فتح‌الله...» و در ادامه دست‌نوشته‌های این کتاب عبارت‌اند از: رئیس‌الکتاب، ۵۱۱ (دستخط مؤلف)؛ امیر السدی، ۵۱۱؛ راغب پاشا، ۶۴۹؛ حاجی محمود افندی، ۲۲۵۳ و ۲۳۳۴؛ حالت افندی، ۲۵۸؛ خنصر فندی، ۷۲۸۴؛ حسن پاشا، ۵۹۳؛ لاله‌لی، ۶۹۳، ۶۹۴؛ دانشگاه آنکارا، ۳۹۵۰.

(۵) **شرح مفتاح الغیب** نوشته شیخ عبدالرحمن (عبداللطیف) بره‌ری (م. ۱۱۶۱). آغاز شرح او چنین است: «وبعد فإنّ الكتاب المعهود باسم مفتاح الغیب والوجود...» و پایان شرح: «... ویکون الصلاة علی محمد مرتین وعلی إمامنا أعطف.» دست‌نوشته‌های این کتاب عبارت‌اند از: ولی الدین، ۱۷۲۹ (دستخط مؤلف)؛ حالت افندی، ۲۸۶؛ ایاصوفیا، ۱۷۲۹؛ راغب پاشا، ۶۹۹.

(۶) **شرح مفتاح الغیب** نوشته احمد بن عبدالله القریمی (م. ۸۷۹). وی از مدرسان علوم

۱. مواجد الذوق/ برگ ۸۴۱-۸۴۲.

۲. هدیة العارفین ۱/ ۶۵۷؛ ایضاح المکنون ۲/ ۴۹۲؛ الأعلام ۴/ ۲۱۲.

۳. مصباح القلب/ برگ ۹۲.

۴. ایضاح المکنون ۲/ ۵۲۶؛ هدیة العارفین ۱/ ۶۱۸.

اسلامی در استانبول بوده و بر بیشتر کتاب‌های درسی حاشیه و شرح دارد. آغاز شرح او: «اللهم أنت حامد لذاتک بذاتک و صفاتک عن ذاتک الذی...» و پایان شرح: «... لا يحوم حول سرادقات کبریائه حائر المفهوم بالعبارات.» دست‌نوشته‌های این کتاب عبارت‌اند از: سلیم آقا، ۵۲۴ (دستخط مؤلف)؛ ایاصوفیا، ۱۹۳۱؛ حالت افندی، ۲۸۴.

(۷) **شرح مفتاح الغیب** نوشته مصطفی افندی مالقوج‌زاده. از این اثر تنها یک دست‌نوشته شناسایی شده است که در کتابخانه اسعد افندی (نسخه شماره ۱۷۲۹) نگهداری می‌شود کاتب این کتاب در مع فی آن چنین می‌نویسد: «هذا الشرح لقدوة الأفاضل من العرفاء السادة مصطفى الشهير بقول راده كان من مدرسی بلدة بورسه وكان صاحب العلمین وجامع الحسنین وكان إذا أشكل علیه مقام من هذا کتاب المشرح رأى فی واقعة المؤلف، قدس الله سره، فیبینه ویوضحه وقد قرأ علیه عز الدین اندی ان اشرف‌زاده». این کتاب در سال ۱۱۷۲ هجری قمری کتابت شده است.

(۸) **شرح مفتاح الغیب** نوشته شهاب‌الدین احمد بن حسین الحموی. اطلاعات زیادی از این شرح نداریم و فهرست نگار این کتاب جناب آقای ارگین نیز به خاطر قرار گرفتن آن در مخزن امانات نتوانسته اطلاعاتی از خود کتاب و نسخ خطی آن ارائه کند.^۱

(۹) **اسرار الشهود الحاصل من فتح محمد** در این کتاب از مؤلفی ناشناس است. گو اینکه مؤلف از بین شروح مفاتیح الغیب تنها با معراج الأنس آشنا بوده است. آغاز کتاب: «هو کتاب جامع للحقائق الإلهية والأسرار الربانية والكونية والکائنات الحقيقية والأطوار السلوكية لم أر شخصاً أقدم علی أن یشرح ولم أسمع سوی محمد بن الفناری...» در معراج خال عن إدراج المتن فیهِ و پایان آن: «وفي ذلك الأنس الدائم مع الله ولیتنافس المتنافسون.» بها نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ولی‌الدین افندی (نسخه شماره ۱۷۲۶) قرار دارد.^۲

محمد بن قطب‌الدین ازنیقی

وی فرزند قطب‌الدین ازنیقی (م. ۸۲۱) یکی از علمای بزرگ دوره عثمانی است. تاریخ ولادت محمد بن قطب‌الدین به‌درستی مشخص نیست، ولی حدوداً در اواخر قرن هشتم و یا اوایل قرن نهم

در ازنیک^۱ به دنیا آمد و در همانجا مقدمات علوم را فراگرفت. مدرسه ازنیک در دوره عثمانی از مهم ترین مدارس علمی به شمار می رفت. این مدرسه به دستور سلطان اورخان غازي عثمانی (م. ۷۶۱) تأسیس و برای اولین بار داود قیصری به مقام استادی آن انتخاب شد.^۲ حضور قیصری (م. ۷۵۱) و شاگردان وی این مدرسه را به عنوان یکی از فعال ترین مدارس در حوزه عرفان تبدیل کرد و بزرگانی همچون ازنیقی در آن پرورش یافتند.

محمد بن قطب الدین ازنیقی علاوه بر پدرش که خود از دانش آموختگان مدرسه ازنیک بود از محضر دیگر عالمان آن دوره همچون شمس الدین محمد فناری تلمذ کرده و در شرح مفتاح الغیب به بعضی از گفته های خود با فناری اشاره کرده است.^۳ ازنیقی افزون بر علوم متداول همچون فقه و تفسیر در علوم عرفانی نیز به مقامات عالی دست یافت و به گفته ابن عماد توانست بین شریعت و طریقت و حقیقت جمع کند.^۴ آن از طرف سلطان محمد فاتح به عنوان استاد مدرسه اورخان غازي انتخاب شده و علاوه بر تدریس علوم و معارف اسلامی در شهر ازنیک به قضاوت و افتاء نیز مشغول بود. او در سال ۸۸۵ در ادرنه رحلت کرد.

از محمد بن قطب الدین آثار متعددی به جای مانده است که از آنها می توان به کتاب های ذیل اشاره کرد:

(۱) مرشد المتأهل.^۵ رساله ای است مشتمل بر مسائل در آداب و اخلاق ازدواج و زناشویی^۶ که در سال ۱۳۱۳ ق در بیروت به چاپ رسیده است.^۷

۱. ازنیک (iznik) یکی از شهرهای باستانی است که در هفتاد و پنج کیلومتری شمال شرقی بورساق قرار دارد. المعجم الجغرافی للإمبراطورية العثمانية / ۵۴.

۲. بنی السلطان اورخان مدرسه فی بلدة ازنیک و هی علی ما سمعته من الثقات و المدرسة بنیت فی الدولة العثمانية و عین تدریسها للشیخ داود القیصری فدرس هناك و أفاد و صنف و أجاد. الشیخان: النجاشی / ۸.

۳. او در کتاب فتح مفتاح الغیب به بعضی از محاورات خود با استادش فناری اشاره کرده است. همان نمونه: «اعلم، أن هذا السؤال وقع من هذا الفقير على سبيل التوارد مع المولى الشارح إلا أنه أجاب عنه: بأن العنصر الأعظم ... فسرّه الشیخ فی عقلة المستوفز بالحیة المعبر عنها بالماء ... ولا یخفی أن المفهوم من جوابه أن العنصر الأعظم إذا كان عبارة عن الحیة لا یكون من المخلوق والكلام فی أول المخلوق.»

۴. شذرات الذهب فی أخبار من ذهب ۹ / ۵۱۳.

۵. هدیة العارفین ۲ / ۲۱۱؛ معجم المؤلفین ۱۱ / ۱۵۳؛ الأعلام ۷ / ۵۰.

۶. كشف الظنون ۲ / ۱۶۵۴؛ فهرس مخطوطات دار الكتب الظاهرية ۲ / ۲۵۳.

۷. معجم المطبوعات العربية والمعربة ۱ / ۴۳۰.